



مسائل اقتصادی و سیاسی نفت در ایران

(از مقدمه مسائل نفت تا دوره آقای احمدی نژاد)

استاد: باقری تودشکی

گردآورنده: لیلا زرگر کرمانی

۱۳۹۴

عناوین و سر فصل های درس

مباحث مقدماتی

الف) کلیات و برخی تعاریف و مفاهیم

ب) تحلیل و بررسی بازار نفت و انرژی

مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران

الف) مباحث تئوریک (مربوط به همه دنیا و کشورهای نفتی)

ب) آثار سیاسی و اقتصادی وابستگی بودجه نفت در ایران

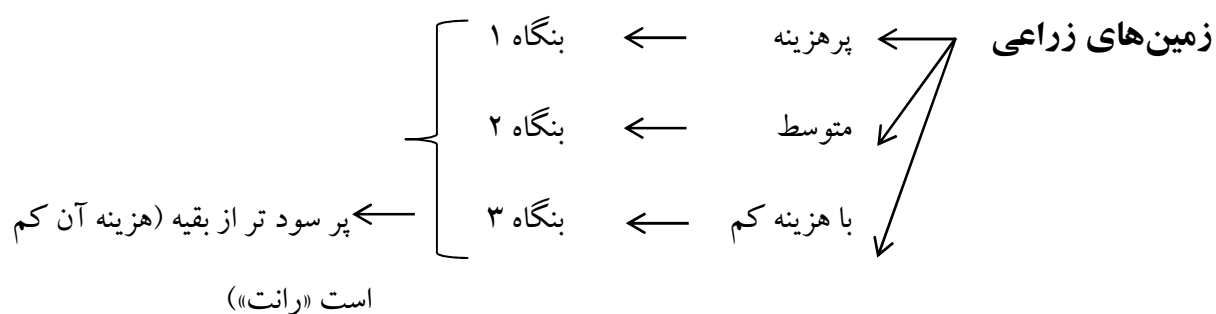
مباحث تاریخی

در ارتباط با نفت ایران تا زمان حال

مفاهیم

۱. رانت

یک سود فوق العاده از ناحیه کمی هزینه تولید است که نصیب تولید کنندگان می گردد. این اصطلاح مربوط به ریکاردو می باشد که آن را در مورد برخی زمین های با ارزش و کم هزینه کشاورزی به کار می برد او به تفاوت میان سود زمین های مرغوب و نامرغوب از اصطلاح رانت استفاده کرد. این اصطلاح در کشورهای خلیج فارس تجلی پیدا می کند.



$$\left\{ \begin{array}{l} P \text{ منهای هزینه تولید} \\ P \text{ منهای } MC = \text{رانت} \end{array} \right.$$

کارگر	مزد	استفاده
۱	۳۰	۵
۲	۳۰	۴۰
۳	۳۰	۳۰
۴	۳۰	۲۰

از کارگر ۴ استفاده نمی کنیم، زیرا هزینه از سود و استفاده آن بیشتر است ولی از ما بقی کارگران می توان استفاده کرد (وجود رانت).

مثال: هزینه تولید نفت در خلیج فارس یک بشکه نفت برابر است با ۸ دلار، این در حالی است که هزینه تولید نفت در دریای شما یک بشکه نفت برابر است با ۵۰ دلار می باشد که در نتیجه تولید کنندگان نفت در خلیج فارس نسبت به تولید کنندگان دیگر در جاهای دیگر دنیا از یک رانت برخوردار است.

نکته ۱: هر دولتی یکسری هزینه هایی دارد، این هزینه ها برای تولید کالاهای عمومی ضروری است.

نکته ۲: دولت مخارجی دارد که برای تأمین آن مخارج نیاز به درآمدهایی دارد، که مالیات یکی از آن منابع می باشد.

دولت رانتیر

۱. دولتی که ۴۰٪ درآمدش از منابع طبیعی بدست می آورد و دارای یک شیوه خاص برای اداره حکومت باشد دولت رانتیر می گویند.

۲. دولتی که از منبع درآمدی کم هزینه استفاده می کند، مانند استفاده از درآمد حاصل از منابع طبیعی، دولت رانتیر می گویند.

۳. به یک درآمد مفت و باد آورده نیز گاهی گفته می شود، مانند رانت اطلاعاتی.

نکته ۳: کلمه رانت از هزینه های تولید، به جای دیگر انتقال داده شده، بنابراین به هر پول و صنعتی کم زحمت از کاری اطلاق داده می شود.

۲. رقابت در استفاده از رانت

سؤال: رقابت در استفاده از رانت در کجاست؟

رقابت در استفاده از رانت نفتی معمولاً بین ۳ گروه رقابت به وجود می آید.

۱. بین شرکت های بین المللی و کشورهای قدرتمند در سطح بین المللی؛

۲. بین کشورهای قدرتمند و کشورهای محلی؛

۳. رقابت بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی در یک کشور.

۳. توسعه و رشد

فرق توسعه و رشد در چیست؟

رشد: به افزایش کمی تولیدات یک کشور رشد می‌گویند

توسعه: مفهومی متفاوت از رشد اقتصادی است. در نتیجه توسعه به اعم از افزایش کمی (یعنی به پیشرفت‌های کمی و کیفی) توسعه اطلاق می‌شود. مانند پیشرفت در مسائلی مثل بهداشت، آزادی، توزیع درآمد که این در مفهوم توسعه جای دارد.

نکته: شاخص‌های توسعه متفاوت از شاخص‌های رشد است. شاخصه‌های توسعه از جمله:

۱. مرگ و میر کودکان ۲. امید به زندگی (احتمال زنده ماندن)

۳. آزادی ۴. ضریب جینی

۴. استراتژی‌های توسعه

۴.۱ استراتژی سیاست جایگزینی واردات

سیاست‌هایی است که باعث می‌شود مانع از واردات کالاهایی که در داخل کشور، تولیدات کالای صنعتی به شمار می‌رود جلوگیری کند، نظیر حمایت‌های گمرکی، تعرفه و... را سیاست جایگزینی می‌نامند و هدف از این گونه سیاست‌ها تولید و ایجاد کالاها در داخل کشور می‌باشد که جایگزینی واردات می‌شود.

۴.۲ استراتژی سیاست جایگزینی صادرات (سیاست‌های توسعه صادراتی)

سیاست‌هایی است که باعث تقویت صادرات می‌گردد یعنی دولت تدابیری می‌اندیشد تا کالاهای تولیدی در بازارهای خارجی رقابت پذیر شوند و بنابراین صادرات را تشویق می‌کند. در این سیاست تعرفه گمرکی کاهش می‌یابند و یا برداشته می‌شوند.

۵. ذخیره (Reserve) و انواع آن

ذخیره: موجودی هر میدان نفتی را گویند.

ذخیره اثبات شده Prove reserve: مقدار نفتی است که در شرایط اقتصادی و تکنولوژی جاری استخراج

می‌شود.

ذخیره احتمالی: مقدار نفتی است که با صرف سرمایه‌گذاری مجدد و توسعه بیشتر می‌توان به آن ذخایر

دست پیدا کرد.

۶. مراحل بازیابی نفت

معمولاً برای استخراج نفت ۳ مرحله وجود دارد:

۱. مرحله اول: با ایجاد فشار به مخازن نفتی، نفت استخراج می‌شود. (پمپاژ از چاه به سطح زمین) در این مرحله

۳۰٪ تا ۵۰٪ نفت استخراج می‌شود.

۲. مرحله دوم: از روش بازیافت ثانویه استفاده می‌شود که با تزریق آب یا گاز انجام می‌گیرد (گاهی اوقات از

گاز CO₂ نیز استفاده می‌شود). در این مرحله ۳۰٪ تا ۵۰٪ نفت استخراج می‌شود. در کشور ونزوئلا ۵۰٪ گاز

طبیعی دوباره به چاه نفت برای استخراج برگردانده می‌شود.

۳. مرحله سوم: بسیار گران‌تر در می‌آید. در این مرحله از تزریق برخی مایعات به چاه نفت محلول مانند مایسلور

که مخلوطی از آب، نمک و نفت است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این مرحله روش مختلفی از سایر روش‌ها است که با احتراق زیر زمین صورت می‌گیرد. در این روش از اکسیژن موجود در هوا و زمین را با هیدروکربن‌ها می‌سوزانند که مقدار انرژی آزاد شده موجب بالا رفتن فشار مخزن می‌شود که برای استخراج مناسب می‌باشد. همچنین در برخی موارد از روش‌هایی همچون انفجارهای هسته‌ای در زیر زمین استفاده می‌شود.

۷. تاریخچه نفت

کاوش‌های باستانی نشان می‌دهد که در حدود ۵ تا ۶ هزار سال پیش از قیر و مواد نفتی برای ساختن ساختمان‌ها استفاده می‌شد، همین گونه مذهب زردشت نیز از نفت و گاز برای نگاه داشتن آتش در آتش‌کره‌ها استفاده می‌کردند. آتشکده آذرگشتسب که در جنوب آذربایجان است ۷۰۰ سال آتش آن روش بوده آن هم بدون خاکستر.

اقتصاد نفت

عرضه و تقاضای نفت در بازار نفت تعیین کننده قیمت نفت است و هزینه‌های تولید بر روی عرضه اثر گذار است.

الف) عوامل اثر گذار بر تقاضا نفت

۱. عوامل قیمتی (قیمت خودِ نفت) \uparrow قیمت \leftarrow \downarrow تقاضا

در سال ۱۹۷۳ قیمت نفت شدیداً افزایش یافت. کشورهای صنعتی در فکر کاهش کردن وابستگی خود به نفت شدند و در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ این‌ها کارایی سوخت اتومبیل‌های مسافربری در امریکا را تقریباً ۳۰٪ افزایش دادند.

۲. عوامل غیر قیمتی

(۱) تأثیر آب و هوا: زمستان قیمت نفت را بالا می‌برد. (در زمستان تقاضا \uparrow منجر می‌شود تا قیمت \uparrow)

(۲) کالاهای مکمل و جایگزینی نفت: انرژی خورشیدی کالای جانشین است. (مصرف انرژی خورشیدی \uparrow \leftarrow

تقاضا نفت \downarrow \leftarrow وابستگی به نفت \downarrow)

نکته: کالای مکمل به کالایی گویند که با افزایش قیمت یکی، موجب کاهش تقاضا دیگری می شود، مانند: ↑ قیمت قند منجر به کاهش تقاضای چای می گردد.

(۳) افزایش درآمد و تولید ناخالص ملی کشورهای وارد کننده نفت: اگر تولید درآمد کشورهای افزایش یابد تقاضا برای نفت نیز افزایش می یابد و در نتیجه قیمت نفت نیز بالاتر می رود.

(۴) انتظارات یا عامل روانی: برای مثال اگر احتمال دهیم که جنگی رخ خواهد داد ← تقاضا برای نفت ↑ و در نتیجه قیمت نیز ↑.

در دهه‌ی ۱۹۹۰ غرب و امریکا تبلیغ کردند که میلیاردها بشکه نفت در دریای خود پیدا شده است یعنی عاملی برای کاهش قیمت نفت شد و منجر شد که در ابتدا تقاضا کم شده و سپس هزینه‌ها پایین بیاید.

(۵) تغییر قیمت ارز: بر تقاضای نفت اثر می گذارد، چون فروش نفت براساس دلار می باشد.

تغییر قیمت بر روی درآمد کشورهای صادر کنند تأثیر گذار است و یکی در تقاضا کننده‌های نفت با یکدیگر قیمت ارز، قیمت خرید نفت برای آنها تغییر می کند. مثلا اگر قیمت برای ژاپن هر بشکه نفت ۶۰ دلار باشد فرض می گوئیم ۱۰۰ پن ۱ دلار است، پس ژاپن برای هر بشکه نفت ۶۰۰۰ پن می پردازد. اگر قیمت ارز تغییر کند ۱۰۰ دلار برای ۹۰ پن، تقاضای نفت ژاپن بیشتر می شود.

(۶) مالیات بر مصرف وارد کنندگان: اگر وارد کنندگان، مالیات دریافتی از مردمش را بیشتر کند مصرف نفت کاهش و تقاضا کمتر می شود.

(۷) توسعه‌ی کشورهای وارد کنند نفت: هم درآمد و هم توسعه‌ی کشورهای وارد کننده باعث افزایش تقاضای نفت می شود.

(۸) استفاده از حامل‌های انرژی دیگر غیر از نفت. (۹) افزایش شهر نشینی

(۷) درآمد کشورهای صادر کننده. (۸) ذخیره سازی نفت.

(۹) عوامل طبعی و غیر طبعی. (۱۰) سیاست‌های صادراتی و مبادلاتی.

ب) عوامل اثرگذار بر عرضه نفت

۱. عوامل قیمتی

قیمت نفت بر عرضه نفت اثرگذار است (↑ قیمت منجر به ↑ تولید)

۲. عوامل غیر قیمتی

(۱) ظرفیت تولید نفت خام.

(۲) تمرکز ذخایر نفتی.

(۳) ورود سرمایه به صنعت نفت.

(۴) هزینه تولید نفت. (هزینه تولید در خلیج ارزان و در دریاها شمال گران است به عبارتی: هزینه ↓ ← تولید ↑)

هزینه تولید به عواملی بستگی دارد:

۴.۱ تعداد چاههای حفر شده؛ ۴.۲ نسبت تعداد چاههایی که به نفت رسیده به کل چاههایی که حفر شده؛

۴.۳ متوسط ظرفیت مخازن. ۵) تصمیمات سیاسی کشورها

۶) بحران و جنگ ۷) مالیات بر عرضه

نکته: ↑ ۱۰٪ قیمت نفت خام ۱.۷۵٪ به قیمت مشتقات نفتی می افزاید.

۵) تولید غیر اوپک.

ذخایر نفت محدود است و نفت و گاز با مصرفشان ، ذخایرشان کم می شود ولکن تقاضای جهانی نفت سال به سال رو به افزایش است.

افزایش تقاضا به درصد در سال ۲۰۱۰	افزایش تقاضا به درصد در سال ۲۰۰۱
۲/۵	هند ۲/۱
۲/۹	روسیه ۲/۶
۳/۱	آفریقا ۲/۶
۲۲/۷	امریکا ۱۹/۶
۱۹/۴	کل جهان ۱۷/۱

۶۱٪ ذخایر دنیا در خاورمیانه است ۴۲٪ واردات نفت جهان از خاورمیانه است.

دلایل اهمیت بازار نفت

۱. فاصله مصرف و تولید نفت روز به روز در حال بیشتر شدن است (مصرف ↑ تولید ↓). در سال ۱۹۹۳ تولید نفت ۳/۱۰۹ میلیارد بشکه نفت بود در حالی که تقاضا و مصرف ۳/۱۷۳ میلیارد نفت شد و این فاصله روز به روز زیادتر می شود.

۲. جایگزین نبودن برای فرآورده‌های نفتی برای حمل و نقل و همانند آن.

۳. از سال ۱۹۸۵ روند اکتشاف نفت در مناطق نفت خیر جهان سیر نزولی پیدا کرد.

۴. همچنین سرمایه گذاری در کشورهای دارای ذخایر نفتی افزایش زیادی ندارد زیرا برخی از این کشورها تقاضایی برای سرمایه گذاری ندارند. (ایران)

۵. از سال ۱۹۸۵ بسیاری از ذخایر نفت در قاره آفریقا و آسیا تهی شدند.

۶. مناطق نفت خیز محل تردد کشورهای پیشرفته قرار گرفته و مردمان آن مناطق نسبت به تردد آنها حساس شدند.

۷. ایران مابین دو حفره نفتی خلیج فارس و دریای مازندران قرار گرفته است که دارای ۱۳۸ میلیارد بشکه‌ی نفت ذخیره دارد.

۸. استخراج از منابع غیر متعارف مانند ماسه‌های نفتی و ذغال سنگ در حال حاضر به خاطر هزینه زیاد، بسیار کم می‌باشد. در حدود ۶/۶ میلیون بشکه در دست کانادا و ۶۰۰ هزار بشکه در ونزوئلا بیشتر بدست نیامده است.

۹. نفت موجود در سنگ‌های ماسه‌ای شکل غیر فشرده شده در ماسه را دارد لذا باید گرم شود تا بتوان مواد نفتی آن را استخراج کرد و لذا استخراج آن با محدودیت‌ها و هزینه‌های بالایی روبه رو است.

۱۰. تولید آمریکا روبه کاهش است و علی‌رغم اکتشافات جدید روز به روز فاصله‌ی تولید و مصرف در این کشور بیشتر می‌شود.

۱۱. از ۱۰ کشور دارنده ذخایر بزرگ ۸ کشور جزو گروه اوپک هستند و بنابراین در آینده قیمت نفت بدست آنها تأیید خواهد شد.

۱۲) رشد اقتصادی دنیا وابسته به نفت شد، بنابراین امنیت و ثبات اقتصادی و سیاسی دنیا نیز بستگی به عرضه‌ی نفت پیدا کرده است.

برآورد هزینه استخراج هر بشکه نفت خام در کشورهای مختلف

در عربستان هزینه عملیات استخراج ۱ تا ۲ دلار در حالی که هزینه کلی استخراج که شامل هزینه‌های سرمایه گذاری نیز می شود به اندازه ۴ تا ۶ دلار می شود.

کشورها	میزان هزینه به دلار	کشورها	میزان هزینه به دلار
عراق	۴ تا ۶	امارات	۷
اکوادور	۲۰	قزاقستان	۱۵ تا ۱۸
نیجریه	۳۰ در دریاها، ۵۰ در خشکی	انگلیس	۵۰
ونزوئلا	۲۰	آنگولا	۴۰
ایران، الجزایر، لیبی، عمان و قطر	۱۰ تا ۱۵		

رانت، رانتیر، رانتیر لیسیم

رانت: نوعی مازاد درآمد غیر تولیدی که دنبال کمیابی‌های طبیعی و ساختگی که اگر مازاد آن گرفته شود هنوز نیز سود وجود دارد.

رانت فرایندی است که طی آن فرد یا نهاد یا گروه‌ها، صاحب اطلاعات، فرصت‌ها و امتیازهایی می شود که دیگران از آن بی بهره‌اند و با تصاحب این فرصت‌ها بر سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دست می یابند.

رانت‌های اقتصادی می‌توانند از منابع زیر بدست آیند:

۱. سیاست‌های حمایتی و صنعتی تبعیض آمیز؛

۲. انحصارات دولتی و غیر دولتی؛

۳. کنترل قیمت‌ها؛

۴. از طریق تورم.

دولت رانتیر

یک شیوه خاص از اداره حکومت است که دارای ۲ مشخصه است:

۱. رانت توسط نخبگان حاکم کنترل می‌شود؛

۲. نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌کنند.

رانتیرلیسم

دولتی که ۴۰٪ درآمدش از منابع طبیعی مثل نفت باشد، لذا از این شیوه حکومت تعبیر به رانتیرلیسم می‌شود.

سه تأثیر عمده برای این دولت رانتیر گرفته می‌شود:

۱. تأثیر بر روی خود دولت

باتوجه به اینکه رانت تحت کنترل نخبگان جامعه قرار می‌گیرد، آنها نیز از این منابع برای تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کنند. آنها دارای یک قدرت انحصاری می‌گردد و این قدرت موجب استقلال دولت از مردم می‌شود. تأثیر دیگر این شیوه حکومت بر روی دولت این است که به واسطه وجود رانت توانایی و کار ویژه استخراجی و دوباره توضع دولت تضعیف می‌شود.

۲. تأثیر بر روی مردم و دولت

دولت از این رانت‌ها برای حفظ مشروعیت خود استفاده می‌کنند و لذا گروه‌ها و افراد، برای بدست آوردن این رانت‌ها به گونه‌ای خود را به دولت نزدیک می‌کند و بر مشروعیت دولت تأکید می‌نماید. روابط فامیلی و دیگر روابط که می‌تواند به نحوی مردم را به رانت نزدیک کند رابطه بین مردم و دولت را تنظیم می‌نماید.

۳. تأثیر بر روی اقتصاد

رانت باعث می شود که در یک کشور روحیه رانتی حاکم شود و در گذاره‌هایی مثل نا برده رنج گنج میسر نمی شود، خدشه وارد می کند.

پیامد رانت در اقتصاد

۱. انحراف در تصمیمات اقتصادی؛

۲. گسترش و فراگیر شدن فعالیت‌های فرصت طلبانه؛

۳. فراموش شدن کارایی (با محدود قرار گرفتن پرداخت رانت از جانب دولت به کسانی که حمایت بیشتری از آن می کند)؛

۴. فراموش شدن خلاقیت و نوآوری؛

۵. تضعیف انگیزه کار، متوقف شدن کارایی‌هایی که بازدهی عمومی دارد.

تعریف رانت

به معنای درآمد مازاد بر هزینه فرصت ازدست رفته و یا اضافه درآمد یک عامل تولید نسبت به درآمد همان عامل تولید در شرایط رقابت کامل است.

معنای دیگر رانت که با ملاحظه معنای اولیه آن بیان شده است:

الف: رانت دریافتی حاصل از فعالیت‌های غیر مولد است.

ب: در مفهوم عامیانه رانت اقتصادی همان سود بادآورده که کسب درآمد نه از طریق مشارکت عامل تولید در فعالیت اقتصادی بلکه به واسطه داشتن ثروت سلب اختیار از دیگران امکان پذیر شده است می باشد.

دلایل وجود رانت:

در مورد علت رانت در ابتدا آقا ریکاردو و مارشال نظراتی داده اند:

آنها بیان کردند که هر عاملی که رقابت را به انحصار تبدیل کند باعث پیدایش رانت می شود. در حالت رقابت کامل هیچگونه رانتی وجود ندارد.

از دهه ی ۱۹۶۰ به بعد آقای بوکانان و کراکر نظرات دیگری در مورد علل رانت بیان کردند: آن ها گفتند که به طور کلی مداخله ی دولت در بازار عامل اساسی برای ایجاد رانت می باشد.

برای مثلا گرفتن سهمیه ی واردات یعنی داد سوب سیت دادن امتیاز دیگر موجب رانت می شود.

برخی از مباحث مطرح شده در مورد آثار سیاسی، اقتصادی وابستگی به بودجه نفت در قالب مباحث مربوط با نفرین منابع طبیعی مطرح شده است. برخی از کتاب ها در بعد از سال ۱۹۷۴ (بحران نفتی) و افزایش درآمد نفتی کشورهای خلیج و مانند آن نوشته شد. در مورد اینکه چرا این کشورها نسبت به کشورهایی که از این نوع درآمد بی بهره اند، به لحاظ پیشرفت جهش کمتری دارند. این تحقیقات به نتایجی دست پیدا کردند که برخی از آن ها در اینجا اشاره می شود:

۱. بیماری هلندی

در کشور هلند در سال ۱۹۷۷ تحقیقاتی در مورد توزیع شرایط دهه ۱۹۶۰ انجام شد. در زمانی که منابع گاز در این کشور کشف شد و به صادرات گاز و واردات ارزانتر کالاهای خارجی منجر شد. در این دهه ضربه بزرگی به بخش صنعت این کشور وارد شد، بعد از تحلیل نتایج آن با عنوان بیماری هلندی مطرح شد.

بیماری هلندی

زمانی که دولت منبع طبیعی را به فروش می رساند، درآمد ارزی آن زیاد می شود. افزایش دلار (ارز) در یک نظام شناور (نظام با نرخ شناور) موجب کاهش قیمت ارز می شود و با کاهش قیمت ارز موجب می شود که کالاهای وارداتی ارزانتر و کالاهای صادراتی گرانتر شود. (واردات ↑ و صادرات ↓)

کالاهای قابل مبادله (کفش، لباس و...) قیمتشان در داخل کشور کاهش می یابد و لکن کالاهای غیر قابل مبادله (زمین و...) قیمتشان بالا می ماند. در چنین زمانی منابع تولید (نیروی کار، سرمایه، زمین) از سمت کالاهای قابل مبادله به سمت کالاهای غیر قابل مبادله حرکت می کند.

نکته: کالاهای قابل مبادله آن دسته کالاهایی است که قابل واردات و صادرات است (واردات آن به صرفه است). در مورد ایران نیز این واقعه به گونه ای مشابه اتفاق افتاده است، برای مثال: دولت وقتی یک میلیارد دلار نفتی بدست می آورد چنانچه آن را در بودجه لحاظ کند (البته می توان در بودجه لحاظ نشود) مانند ذخیره ارزی، دولت برای هزینه کردن آن در داخل به صورت ریال آن را به بانک مرکزی می دهد و در مقابل ریال می گیرد. بانک مرکزی نیز به اندازه دلارها ریال چاپ می کند. دولت آن ریالها را برای هزینه کردن به بازار می برد در این صورت نقدینگی افزایش می یابد و به دنبال آن قیمتها و تورم افزایش می یابد و در آخر قیمت همه کالاها افزایش می یابد. و لکن با توجه به افزایش دلاری بانک مرکزی توانایی واردات بیشتر به کشور بدست می آید و مردم می توانند از ریالهای زیاد شده جمعی را به بانک مرکزی داده و دلار گرفت و واردات کنند. ابتدا قیمت همه کالاها \uparrow می رود بعد قیمت کالاهای قابل مبادله \downarrow می یابد که در نتیجه قیمت کالاهای غیر قابل مبادله \uparrow می یابد.

(به اندازه واردات نقدینگی کاهش می یابد)

نکته: برای تعیین بودجه کشور، قیمت هر بشکه نفت و قیمت دلار را لحاظ می کنند.

۲. اثر مالیات گیری

طی دهه های اخیر اقتصاددانان متوجه شده اند که مالیات بسیار فراتر از یک ابزار کسب درآمدی برای دولتها عمل می کند. هنگامی که دولتها مخارج خود را از درآمد مالیاتی کسب می کنند بایستی به نیازهای مردم مسئولانه توجه کنند و مالیات دهنده انتظار دارند بر چگونگی هزینه کردن مالیات نظارت داشته باشند. انتظار دارند منابع مالیاتی با کارایی هزینه شود و ساختار دولت به صورت کارآمد فعالیت کنند.

مالیات دهنده انتظار دارد در تصمیم گیری‌های دولت مشارکت داشته باشد و به دنبال آن نمایندگانی انتخاب کنند که در امر تصویب مالیات و چگونگی هزینه کردن آن از جانب وی نمایندگی مؤثر داشته باشد، به همین دلیل در جامعه‌ای که متکی بر مالیات است به تدریج نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد و روال‌ها، رویه‌ها شفافیت پاسخگویی به مردم و مسئولیت‌پذیری شکل گرفته و پایدار می‌شود.

در مقابل کشورهایی که از درآمدهایی همانند نفت تأمین مالی می‌شوند نهادهای سیاسی - اجتماعی کمتر ایجاد شده، دموکراسی کمتر نهادینه می‌شود و پاسخگویی شفافیت در امور نیز کمتر می‌شود.

واردات با منابع درآمد ارزی از ناحیه نفت

با افزایش ناگهانی قیمت نفت و درآمد حاصل از آن، دولت به درآمد زیادی از این دست پیدا می‌کند، اگر این درآمدهای ارزی صرف واردات کالاهای نهایی شود، که دچار بیماری هلندی شود و اگر به سمت واردات کالاهای سرمایه‌ای برود، ممکن است که کشور بازهم گرفتار تورم شود. زیرا ظرفیت اقتصادی در کوتاه مدت ممکن است نتوان آن درآمد نابه هنگام را جذب کند.

به عبارت دیگر ایجاد ساختمان، راه آهن، نیاز به کارخانه سیمان، آهن، فولاد و مانند آن دارد.

۳. اثر هزینه‌ای (سیاسی و بخشی اقتصادی)

الف) هنگامی که درآمد دولت از محل صادرات نفت حاصل می‌شود و نهادهای دموکراتیک برای نظارت بر آن موجود نیست؛ این منابع براساس اولویت‌های دولت هزینه می‌شود، در این شرایط دولت‌ها این درآمدها را در جهت تقویت گروه‌های اجتماعی مدافع خود هزینه می‌کند و نیروهای منتقد و معارض ر در ضعف نگه می‌دارد.

ب) برای مثال هزینه‌های دولتی در مراکز شهری انجام می‌شود چون ذی‌نفعان حکومت در شهرها هستند. همینگونه در مناطق نفت خیز توسعه کمتری نسبت به شهرهای مرکزی و محلی که سکونت افراد حکومتی است به وجود می‌آید.

۴. اثر بر تشکیل گروه‌ها (سیاسی)

منابع حاصل از صادرات نفت توسط دولت‌ها برای جلوگیری از تشکیل تشکل‌های مستقل خصوصاً گروه‌هایی که متقاضی حقوق سیاسی هستند، هزینه می‌شود البته در غیاب نهادهای دموکراتیک.

۵. اثر سرکوب (سیاسی)

درآمدهای حاصل از منابع طبیعی برای دولت‌ها، امکان تشکیل گروه‌های نظامی و شبه نظامی، پرداخت‌های جذاب به این گروه‌ها و مسلح و تجهیز کردن این گروه‌ها را فراهم می‌کند. به گونه‌ای که این گروه‌ها از قدرت حاکم دفاع کرده، منتقدین و مخالفین را سرکوب کنند.

۶. اثر مدرن سازی (اقتصادی)

حکومت‌های دارای درآمد قابل ملاحظه از حمل منابع (نوعاً خاص) نیازی به استفاده از تخصص نمی‌دانند. چنانچه نیازهای خود را از طریق مصرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع برطرف می‌کنند. ضرورتی برای بهبود کارایی نمی‌بینند. چنانچه عدم کارایی را با صرف درآمدهای سهل الوصول می‌پوشانند مدیریت سازمان‌ها و شرکت‌ها و ادارات را به افراد مورد اعتماد و کم تخصص می‌سپارند، زیرا این دولت‌ها نسبت به افراد شایسته بی اعتماد هستند.

ممکن است به حذف نیروی متخصص بینجامد که حذف این نیروها دامنه غنی و توسعه کشور را محدود می‌کنند.

۷. اثر بی ثباتی درآمدی (اقتصادی)

بی ثباتی درآمد ناشی از نوسانات قیمت نفت امکان برنامه ریزی مستمر و پایدار را برای دولت‌ها منتفی می‌کند. سبب می‌شود که در زمان رونق درآمدی، پروژه‌های نسنجیده شروع شود و در زمان رکود درآمدی پروژه‌های غیر سیاسی رها می‌گردد و این امر در ضایع شدن منبع تأثیر بسزایی دارد.

چرا قرار دادها و امتیازات غیر معقول در دوره قاجار بسته شد؟

۱. عدم آگاهی مردم و شاهان قاجار نسبت به پیشرفت‌های اروپاییان و عدم تدبیر در برابر آن.

۲. عدم استفاده از نیروهای روشن فکر و متعهد مردم. ۱۱ سال پیز از آنکه امتیاز بانک شاهنشاهی به رویترز داده شود حاج محمد حسن امین الضرب پیشنهاد داده بود که اجازه دهند تجار ایران جمع شوند و با مشارکت توده مردم یک سرمایه‌ای جمع می‌شود تا بانک تشکیل دهند. تا بانک و سرمایه‌های کم جمع شوند و تبدیل به سرمایه شوند. امین الضرب در جوانی سفرهایی به اروپا و ممالک غربی انجام داده بود و تحت تأثیر قرار گرفته بود و پس در آوردن را آهن، صنایع نساجی ایران و حتی شناسایی معادن کشورهای گام برداشت.

* امیر کبیر خوب فهمیده بود که بازار ایران باید از کالاهای خارجی پاک شود برای جلوگیری از این کار، کارهای زیر را باید انجام داد:

الف) دادن سرمایه به برخی اهل فن برای ایجاد کارخانه؛

ب) فرستادن استادان به مسکو (سن پترزبورگ) تا پس از بازگشت کارخانه‌هایی مانند بلور سازی، چودن سازی، کاغذ سازی و همانند آن تشکیل دهند؛

ج) دستور داد یک معلم توپخانه، یک معلم هندسه، یک معلم معدن شناسی، پزشک، دارو ساز از کشورهای اتریش، روسیه با حقوق ۴ هزار تومان برای مدت ۵ الی ۶ سال به ایران آیند که این افراد بعد از عزل او وارد ایران شدند.

۳. نبود امنیت سرمایه گذاری در دوره قاجار نیز می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در بستن قراردادهایی آنگونه باشد. جیمز فریزر در زمان فتحعلی شاه مانع عمده بهبودی رونق کشاورزی ایران نامنی است. هیچکس دست به تولید کالایی نمی‌زند مگر اینکه ساعتی بعد از چنگش در می‌آورند. درآمد شاهان از مالیات بوده است، مالیات نیز بیشتر از کشاورزی بوده است لذا کشاورزی نیز بازدهی آنچنانی نداشته است و لذا دولت بی پول بوده است.

میکائیل بادلو می گوید در سال ۱۹۱۰ خان ها از ضعف دولت مرکزی استفاده کرده و به زمین های بایر دولتی دست اندازی می کردند وخالصه جات (زمینهای دولتی)همان رفته رفته کاهش یافتند و نابود شدند و شاهان نیز به خاطر نیاز به پول بسیار از زمین های آزاد را فروختند.

۴. در این دوره واردات شدید بوده است که موجب از بین رفتن صنایع داخلی گردیده است.

* در این دوره واردات ایران و انگلیس ۵/۵ برابر صادرات آن شد.

* واردات ایران از شوروی به ۱/۵ برابر صادر آن شد.

* در مدت ۱۰ سال واردات از آلمان به ۶/۵ برابر افزایش یافت.

* شالهای ایران که در زمان امیر کبیر رونق خوبی پیدا کرده بود.

۵. کسری تراز پرداختها در دوره قاجار شدید شد. در نیمه قرن ۱۹ واردات از صادرات پیش گرفت و کسری

تراز پرداخت در سال ۱۹۱۳ سه میلیون بود.

(کسری تراز پرداختی: صادرات منهای واردات. زمانی که واردات بیشتر از صادرات باشد)

(کسری بودجه: هزینههای دولت منهای درآمد دولت: زمانی که هزینههای دولت بیشتر از درآمد باشد)

۶. استقراض از خارج، گرفتن وام از دولت های خارجی که یکی از این استقراض ها مربوط به ناصرالدین شاه برای

سفرهایش به خارج بود.

۷. نبود پول و رکود در معاملات.

*ناصرالدین شاه امتیاز چاپ اسکناس را به انگلیسی داد. انگلستان از این فرصت استفاده کرد و به چاپ و

نشر اسکناس پرداخت که هیچ نظارتی بر آن نبود. بان شاهنشاهی در بیرون ایرن نیز شعبه هم داشت و چاپ پول

توسط انگلستان به جهت نیاز به پول برای معاملات در ایران بود.

۸. خروج سرمایه طلا و نقره از ایران

* در قرن ۱۹ تفاوت قیمت ناشی از تغییر پشتوانه پول از نقره به طلا از کشورهای دیگر باعث خروج مقادیر زیادی طلا و نقره از ایران شد. بازرگانان انگلیسی و روسی کالا را به ایران می فروختند و طلا یا قره می گرفتند و آن را از ایران خارج می کردند و لذا داخل چیزی نمی فروختند.

مسائل نفتی دوره رضاخان

پیدایش صنعت نفت از دوره (۱۲۸۰ - ۱۲۹۷) در بستر ۳ واقعه‌ی مهم در دنیا اتفاق افتاد:

۱. انقلاب مشروطیت ۲. جنگ جهانی ۳. انقلاب شوروی در ۱۹۱۷

در داخل مردم ایران عقب ماندگی های خود را از غرب خوب حل کردند و نیاز به یک دولت مرکزی قوی در تمام مردم حل می شد.

ازطرفی انگلستان به دنبال امنیت برای استخراج نفت بود. ابتدا می خواست با قرار داد ۱۹۱۹ میخ واست به این هدف خود برسند (مستعمره کردن ایران) و هم چنین در ادامه با حمایت از شیخ خزعل که در فکر استقلال خوزستان از ایران بود می خواست به این هدف برسد. در نهایت انگلستان با مایوس شدن از مشروطه خواهان برای ایجاد یک دولت مرکزی که امنیت نفت را برای انگلستان به همراه آورد یعنی به حمایت از رضاخان برای این هدف برخاست. رضاخان هم از نظر انگلستان و هم از جانب مردم حمایت می شد برای اینجاد یک دولت مرکزی.

اصلاحات رضاخان

۱. در زمینه امنیت، تهیه ارتش جدید، بودجه ارتش را از ۱۱۰ میلیون ریال در سال ۱۳۰۷ به ۵۹۲ میلیون در سال ۱۳۲۰ رساند. شمار ارتش ها را از ۴۰ هزار به ۱۵۰ هزار رساند.

برای امنیت منافع نیمه مستقل عشایری را در درون یک چارچوب جدید بروکراتیک ملی اقدام کرد. تهدید قدرت خوانین و رؤسای عشایری.

منحل کردن تشکیلات ایلی و عشایری، اسکان قبایل و ایالات.

*. نوسازی دستگاه بوروکراسی اداری دولت و تبدیل آن به یک دستگاه بروکراسی مجهز و مدرن.

* ایجاد زیر ساخت‌های لازم دیگر غیر از امنیت:

الف) از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰، ۶٪ کل بودجه کشور را به نظام آموزش مدرن اختصاص داد.

ب) ایجاد ثبت رسمی احوال و املاک.

ج) اصلاح نظام قضایی و حقوقی.

د) تأسیس محاکم عرفی و تشکیلات دادگستری.

س) تصویب قوانین جدید در زمینه حقوق مدنی.

ص) نظام آموزشی مدرن و تأسیس مدارس به سبک اروپایی

ه) ایجاد شبکه ارتباطات و حمل و نقل (۲۴٪ بودجه مختص شبکه حمل و نقل بود).

۴. نوسازی پولی کشور با تأسیس بانک سراسر ایران (بانک ملی) با انحصار چاپ اسکناس به این بانک.

از زیر ساخت‌های دیگری که در دوره‌ی رضاخان تقویت شد گسترش ارتباطات و ایجاد شبکه حمل و نقل که

در سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ ۲۴٪ بودجه به این امر اختصاص یافت.

۵. ایجاد صنایع جدید (کبریت، مصالح ساختمانی، چرمی، کارخانه شکر و...) ۱۳٪ بودج کشور به این امر

اختصاص داده شد. سهم صنایع در بودجه از ۱٪ در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ به ۱۹٪ طی سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ رسید.

۶. صادرات نفت ایران نیز افزایش یافت، از ۱۶ میلیون تن نفت در سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۲ به ۱۱۹ میلیون تن

افزایش یافت.

درآمد ایران از ۴.۷ میلیون لیره به ۴۵/۷۵ میلیون لیره افزایش یافت. ابتدای افزایش درآمد موجب سنگینی هزینه‌ها

و بار مالی دولت شد که در نتیجه رضاخان نیز به دنبال سهم بیشتری از درآمد نفت را طلب کرد از انگلستان.

در سال ۱۳۱۰ به دلیل کاهش زیاد درآمدهای نفتی از ۱۰۳/۰۰۰ لیره در سال ۱۳۰۹ به ۳۱۰ هزار لیره در سال ۱۳۱۰

تورم در ایران به ۴۵٪ رسید که ناشی از کاهش واردات کالاهای خارجی بود که در نتیجه مردم با کاهش درآمد

نفت در فشار قرار گرفته بودند هم چنین این فشارها موجب شد که رضاخان قرار داد داری را پاره کند و موجب بستن قرار داد جدید که به نفت ایران نیز شد.

آثار اقتصادی وابستگی دولت به بودجه نفت در دوره رضاخان

درآمد دولت در سال ۱۹۳۰ حدود یک میلیون و سیصد هزار لیره بود، ولی در سال ۱۹۳۱ به ۳۰ هزار لیره رسید. به دلیل بحران سال ۱۹۲۹ که رکود زیادی در دنیا ایجاد کرد که حاصل از افزایش قیمت نفت بود. از اثرات وابستگی به نفت شاهد کاهش واردات نفت و تورم ۴۵٪ هستیم.

آثار سیاسی بوجود آمده از ناحیه درآمد نفتی را می توان در موارد زیر خلاصه کرد

۱. لغو قرار داد داری در این دوره انجام داد که در نتیجه باعث شد که مجلس فرمایشی در آن زمان و قرار داد ۱۹۳۳ را تأیید کند.
۲. قانون مشروطه زیر پا گذاشت و دوره‌ی استبدادی خود را از سال ۱۳۰۷ به بعد پایه گذاری کرد.
۳. سرکوب روحانیون و روشنفکران.
۴. رضاخان روزنامه و جراید مستقل را بست.
۵. کشف حجاب.
۶. رضاخان ثروت زیادی را برای جمع آوری کرد

آثار سیاسی و اقتصادی وابستگی به بودجه نفت در دوره رضا شاه به چهار دوره تقسیم می شود.

- (۱) ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ جو رادیکالی (۲) برداشتن فشار از روی مردم
 - (۳) آگاهی مردم از قرار داری (۴) در این وسط ۱۱ نخست وزیر و ۳۱ کابینه و ۱۴۱ وزیر عوض شد.
- محور سیاست‌های محمد رضا شاه در سه دوره ۱۳۳۲ - ۱۳۴۱ و ۱۳۴۱ - ۱۳۵۱ و ۱۳۵۱ - ۱۳۵۶ به شرح ذیل می

باشد:

۱. تکیه‌ی روز افزون بر درآمدهای نفت

۲. توزیع رانت میان حامیان و سرکوب مخالفین

۳. افزایش شدید بودجه نظامی و گسترش سریع دستگاه بروکراسی.

۴. اجرای اصلاحات سیاسی و اجتماعی مورد حمایت قدرت‌های بزرگ.

دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

* در این دوره با یک تلاطم سیاسی همراه بود، همچنین ورود نیروهای سیاسی به میدان (جبهه ملی، نیروهای مذهبی).

* مردم از قرار داد رسمی، نسبت به کیفیت و کمیت قرار داد آگاه شدند.

* با ورود نیروهای سیاسی هرج و مرج نیز بوجود آمده.

مشکلاتی که مصدق با آن رو به رو شده بود

* انگلستان بدهکاری‌های مربوط به نفت را به ایران نداد (۵۰۰ میلیون لیره به ایران بدهکار بود).

* امریکا بنا بود ۲۵ میلیون دلار وام به ایران بدهد که خودداری کرد.

* کسری بودجه در میان این دوره زیاد شد، این کسری بودجه سال سه سال سیر تصاعدی می یافت.

* خود هزینه‌های شرکت نفت که قبلاً انگلستان می پرداخت، به عهده دولت افتاد. (حدود ۶۰-۶۵ میلیون تومان)

* کاهش ارزش پول

* افزایش درآمدهای مستقیم دولت

مصدق سیاست اقتصاد بدون نفت را برای دولت خود تنظیم کرد

رئوس سیاست‌های دولت‌های مصدق

۱. صرفه جویی ۲. افزایش درآمدهای مستقیم دولت ۳. جلب مشارکت مردم ۴. بازننگری در سیاست-

های بازرگانی

۱. صرفه جویی

مصدق هزینه‌های غیر ضروری را حذف کرد، سیاست‌های مالیاتی را اصلاح کرد و بودجه دولت در سال ۱۳۲۹ به اندازه ۱۱/۲ میلیارد ریال بود در سال ۱۳۳۰ به ۹/۷ میلیارد ریال رساند و کسری بودجه را به صفر رساند. قبل از مصدق در سال ۱۳۲۵ کسری بودجه سال به سال به طور تصاعدی افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳۲۵ کسری ۶۵ میلیون تومان در حالی که اصل بودجه ۶۰۹ میلیون تومان بود. در سال ۱۳۲۶ کسری شد ۲۵۶ میلیون تومان. و در دوره قبل مصدق ۳۰۰ میلیون تومان.

۲. افزایش درآمدهای مستقیم دولت

دولت از کالاهایی که در انحصار او بود نظیر قند و شکر، برخی نوشیدنی‌ها، سیگار، الکل و تریاک مالیات گرفت (بستن مالیات بر روی کالاهای ضروری). بخشی از این سیاست‌ها موجب نارضایتی مردم نیز شد.

۳. جلب مشارکت مردم

ایشان اوراق زیادی به مردم برای تأمین بودجه دولت فروخت، حتی فردی به نام حسن شمشیری ۵۰۰ هزار تومان اوراق خرید؛ کارخانه علاءالدین مربوط به این دوره است.

۴. بازنگری در سیاست‌های بازرگانی

واردات کالاهای تجملی را محدود کرد. کالاها را به دو قسم کرد، تجملی و ضروری. کالاهای صادراتی، کم فروش، پر فروش. به کسانی که کالاهای پر فروش را صادر می‌کنند، اجازه واردات کالاهای ضروری داده شد، و به کسانی که کالاهای کم فروش صادر می‌کنند اجازه واردات کالاهای تجملی داده شد. بسیاری از سفرهای خارجی را لغو کرد حتی سفر عتبات عالیات که باعث نارضایتی مردم شد. به پیشنهاد کارشناس آلمانی ۲۰۰ میلیون تومان پول چاپ کرد اما مصدق اجازه ورود این پول‌ها را به اقتصاد نداد. در عین حال برای این دوره ۸ هزار شرکت ثبت شده است. (راه حل رفع کسری: استفاده از پول نفت، استقراض از بانک مرکزی، چاپ پول)

محور برنامه‌ها و سیاست‌های محمد رضا شاه در سه دوره (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶)

(۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰) - (۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰) - (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶)

۱) تیکه روز افزون به درآمد نفت

۲) توزیع رانت نفت به حامیان و سرکوب مخالفان

۳) افزایش شدید بودجه نظامی و گسترش سریع دستگاه بروکراسی

۴) اجرای برخی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی

۱. تیکه روز افزون به درآمد نفت

در سال (۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰): درآمد نفتی ایران بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار بود. طی این دوره دولت ایران نزدیک ۱/۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی و کمک خارجی دریافت کرد که در مجموع ۳/۵ میلیارد دلار شد. این مقدار درآمد ارزی ۵ برابر کل دریافت‌های ارزی ایران در طول ۲۰ سال پیش از آن بوده است. درآمد نفتی به ریال از ۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۲ به ۱۸۲ میلیارد در سال ۱۳۵۱ رسید.

در سال ۱۳۳۳ سهم درآمد نفت از بودجه ۱۱٪، در سال ۱۳۴۲، ۴۵٪، در سال ۱۳۵۰، ۵۶٪، در سال ۱۳۵۶ به ۷۰٪ رسید. (مطابق جدول زیر)

۱۱٪	در سال ۱۳۳۳ سهم درآمد نفت از بودجه
۴۵٪	در سال ۱۳۴۲ سهم درآمد نفت از بودجه
۵۶٪	در سال ۱۳۵۰ سهم درآمد نفت از بودجه
۷۰٪	در سال ۱۳۵۶ سهم درآمد نفت از بودجه

۲. توزیع رانت نفت به حامیان و سرکوب مخالفان

از سال ۱۳۳۳ محمد رضا از رانت نفت در جهت تقویت مدافعان خود و در جهت حذف نیروهای سیاسی استفاده کرد. از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰ نیروهای چپ و توده‌ای همچنین نیروهای جبهه ملی را از صحنه خارج کرد. اما از سال ۱۳۴۰ به بعد در جهت حذف نیروهای مذهبی و روحانیون و همچنین حذف فئودال‌ها اقدام کرد. در سال ۱۳۴۰

مجلس را ۲ سال منحل کرد. برخی طبقات متوسط و برخی از روشنفکران و حامیان رژیم در این فاصله از مزایای بسیاری در شهرها برخوردار شدند.

۳. افزایش شدید بودجه نظامی و گسترش سریع دستگاه بروکراسی

از ۱۳۳۲ به بعد، ارتش رکن اساسی دستگاه‌های سیاسی بود. در فاصله ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمار ارتشیان به ۴۰۰ هزار رسید. بودجه نظامی ۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۳۹ به ۵۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳.

۴. اجرای اصلاحات سیاسی و اجتماعی، اقتصادی مورد حمایت قدرت‌های بزرگ

ابتدا در دهه ۳۰ و ۴۰ حکومت اصلاحاتی را در دستور کار قرار داد و در دهه ۴۰ این اصلاحات شدت بیشتری پیدا کرد. برنامه ۷ ساله در سال ۱۳۳۴ شروع به کار کرد. (قبل از انقلاب برنامه‌های ۷ ساله بود، بعد انقلاب ۵ ساله). در سال ۱۳۴۱ کندی مشاورانی را برای اجرای این برنامه به ایران فرستاد. محور برنامه اصلاحات ارضی بود.

- اصلاحات ارضی

در اصلاحات ارضی قرار بر این بود که هرکس بیش از ۴۰۰ هکتار زمین دارد آن را به دولت بفروشد که در ادامه به رعایات فروخته می‌شد. و بنابراین زمین‌ها قدری تقسیم شد تقریباً ۸۰۰ هزار نفر صاحب زمین شد. اصلاحات ارضی از یک جهت کارایی را افزایش می‌داد و از جهتی کارایی را کاهش می‌داد. از این جهت که افراد مالک زمینی می‌شدند، کارایی بالا می‌رفت از جهت اینکه زمین‌ها کوچک می‌شدند کارایی کاهش می‌یافت.

دولت برای اینکه زمین‌های کوچک شده دوباره بتوانند در حجم بزرگ برای تولید مورد استفاده قرار گیرند، راه‌هایی را در نظر گرفت. یکی از آن راه‌ها خرید زمین‌های کوچک توسط شرکت‌های کشت و صنعت، راه دیگر ایجاد شرکت‌های تعاونی تولیدی و همچنین ایجاد شرکت‌های زمین‌های زراعی. شرکت‌های کشت و صنعت زمین‌ها را به ۵۰۰ هکتار می‌رسانند تا از آن‌ها در جهت تولید استفاده کنند.

در خلال سال‌هایی که اصلاحات ارضی در حال تکمیل بود اهداف برنامه نیز تغییر کرد و به سمت کشاورزی صنعتی جهت گیری نمود که بیشتر به سمت تولید محصولات صادراتی جهت می‌یافت. فقط بعد از این همه تلاش -

ها فقط زیر ۳۰٪ زمین‌ها زیر کشت رفتند. زیرا اقتصاد رانتی در شهرها رانت فراوانی را ایجاد کرده بود. از یک طرف نیز کشاورزان خرده پا سرمایه کافی برای تولید نداشتند و بنابراین وجود رانت در شهرها و همچنین کارهای کاذب در شهرها زمینه مهاجرت این کشاورزان را به شهر فراهم کرد. زمین داران بزرگ نیز به جهت سود فراوان و وجود رانت‌ها در شهر نیز کشاورزی را رها نمودند. (البته زمین‌های کوچکی که از آن‌ها نیز گرفته شد زمین‌های نامرغوب بودند).

در زمان قبل از اصلاحات ارضی کشاورزان خود کفا بودند و حتی با مازاد تولید آن‌ها کشور وابستگی به خارج نداشت. و لکن بعد از اصلاحات ارضی در زمانی که اهداف دولت به سمت حمایت از کشاورزی صنعتی جهت گرفت در نتیجه زمین‌های بزرگ نیز به سمت تولید محصولات صادراتی جهت گرفت و همچنین زمین‌های کوچک نیز از نیازهای خود کفایی دور مانده‌اند در نتیجه کشور به محصولات کشاورزی از خارج وابسته شد.

قبل از سال ۴۰، شاه اصلاحات ارضی را به جهت مخالفت مرجع علیقدر آیت الله بروجردی و همینگونه وجود زمین داران بزرگ در مجلس کنار گذاشت و لکن در سال ۱۳۴۰ ششم دی بعد از فوت ایشان، این قانون تصویب شد. روند مهاجرت‌ها ناشی از اصلاحات ارضی ۱۵.۳٪ در سال ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۸.۸٪ در سال ۱۳۵۱، ۴۳٪.

نتایج سیاست‌های شاه

طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، ۸٪ بودجه به بخش کشاورزی تخصیص داده شد در حالی که ۷۲٪ به بخش صنایع اقتصادی تخصیص داده شد. ارزش افزوده بخش مصنوعات به طور متوسط ۱۲.۳٪ رشد داشت. نرخ رشد صنایع تولید کننده نهاده‌های تولید و کالاهای صنعتی به ترتیب ۱۹٪ و ۲۱٪ شد. نرخ رشد تولید ناخالص ملی در این دوره ۱۱٪ اما نرخ بیکاری از ۷٪ در سال به ۹٪ افزایش یافت.

سهم ۴۰٪ فقیر جامعه در مصرف از ۱۶٪ به ۱۴٪ تنزل کرد. سهم ۲۰٪ ثروتمند جامعه در مصرف از ۵۰٪ به ۵۲٪ افزایش یافت.

درآمد نفت از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۳، ۱۴ برابر شد. ۲۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۴۲ به ۱۸۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ رسید و از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ نیز درآمد نفت ۲۱۶ برابر افزایش یافت.

برنامه پنجم در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسید، با بودجه ۲۴۶۰ میلیارد ریال. این برنامه بسیار بلند پروازانه بود، و به گونه‌ای شد که نیروی ماهر بسیار کمیاب شد و همین‌گونه سیر مهاجرت را افزایش داد. در سال ۱۳۵۶ برنامه کنار گذاشته شد و برنامه ششم به تصویب رسید (شروع به کار کرد). در سال ۱۳۵۷ محمد رضا شاه گفت ما نیازی به برنامه نداریم.

نرخ تورم از ۴٪ در سال ۱۳۵۱ به ۲۵٪ در سال ۱۳۵۶ رسید. کشاورزی از جهات مختلف مورد حمله قرار گرفت:

(۱) واردات (۲) از جهت قیمت گذاری توسط اتاق بازرگانی و اصناف.

نرخ رشد در خلال سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶

نرخ رشد از ۱۲٪ گذشت، بودجه کشور ۴ برابر شد، نرخ بیکاری به ۱۰٪ افزایش پیدا کرد. ضریب نابرابری از ۴۷٪ در سال ۱۳۵۱ به ۵۲٪ در سال ۱۳۵۵ رسید و سهم ۴۰٪ ثروتمندان از ۵۲٪ به ۵۷٪ رسید. در سال ۱۳۵۷ سهم ۴۰٪ فقیر نیز در مصرف از ۱۴٪ به ۱۱٪ تنزل کرد. نسبت مصرف مناطق شهری به روستایی ۵ برابر در سال ۱۳۴۵ رسید. واردات کشور ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، ۴/۱۲ برابر شد. بودجه نظامی در سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ از ۱۳٪ تولید ناخالص ملی به ۲۰٪ رسید.

جمهوری اسلامی ایران

از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸: درآمد نفت ۱۳۵ میلیارد دلار.

از سال ۲۰۰۶ تا ۱۹۷۹: درآمد نفت ۵۳۲ میلیارد دلار.

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴: درآمد نفت ۱۲۶ میلیارد دلار.

از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶: درآمد نفت ۱۱۲/۳۵ میلیارد دلار.

بوجود آمدن جمهوری اسلامی، دولت در حد وسیعی بزرگ شد. ۲۸ بانک خصوصی، که در مجموع ۴۴٪ سرمایه‌های بانکی را در اختیار داشتند ملی اعلام شدند. صنایع ماشین‌سازی، مس، فولاد، آلومینیوم و تمامی کارخانه‌جات و مؤسسات متعلق به ۵۱ سرمایه‌دار بزرگ بود، در کشور ملی اعلام شد و مالکیت این‌ها به بنیاد مستضعفان به ریاست رفیق دوست واگذار شد.

در سال ۱۳۶۱ بنیاد مالک ۲۰۳ کارخانه صنعتی، ۴۷۲ مجتمع کشاورزی بزرگ، ۱۰۱ شرکت ساختمان‌سازی، ۲۳۸ شرکت بازرگانی و خدماتی، ۲۷۸۶ قطعه زمین و ساختمان بزرگ، ۹۶٪ کارخانه‌هایی که دارای بیش از هزار پرسنل بودند و ۲۸٪ کارخانه‌هایی که دارای ۵۰ تا ۹۹ پرسنل داشتند مدیریتشان بدست دولت قرار گرفت. تعداد کارکنان ۴ برابر شده بود و از ۵۵۷ نفر در سال ۱۹۷۸ به متجاوز از ۲/۵ میلیون نفر افزایش یافت. دولت در این دوره بزرگ شد که از یک جهت که شرایط بحران بود، این بزرگ شدن دولت نفعی برای کنترل نیز داشت.

درآمد نفت و یا به عبارت دیگر رانت نفت در این دوره نیز در خدمت اسلامی سازی و حکومت قرار گرفت که بخشی از این درآمدها نیز نصیب طبقات پایین جمعیت شد.

روش‌های توزیع رانت در جمهوری اسلامی

از سال ۱۳۵۷ تا ۷۹ بیشتر توزیع رانت به شکل‌های زیر می‌باشد:

۱. سهمیه بندی در تخصیص مشاغل
۲. سهمیه بندی در مؤسسات آموزشی
۳. توزیع برنامه‌های صادرات و واردات
۴. توزیع ارز ارزان
۵. توزیع مواد خام و کالاهای سرمایه‌ای با نرخ‌های ترجیحی
۶. معافیت‌های مالیاتی
۷. توزیع وام‌های ارزان و آسان

از سال ۱۳۷۹ به بعد توزیع رانت به صورت‌های زیر بوده:

۱. تخصیص وام ارزان
۲. تعرفه‌های گمرکی
۳. معافیت از مالیات
۴. تقسیم پروژه‌های دولتی
۵. توزیع یارانه‌های غیر مستقیم

دولت میر حسین موسوی

ایشان دولت را در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ در اختیار داشت. عمده سیاست‌های وی بر محور نظام کوپنی و نگه داشتن نرخ ارز و تنظیم یک نظام برنامه ریزی مبتنی بود. یک نظام کوپنی بر منبای پیشنهاد آقای عالی نسب که نقش اساسی در دولت موسوی داشت، بود.

باتوجه به شرایط جنگی و از بین رفتن بسیاری از کارخانه‌ها دولت در آن شرایط با تورم و بیکاری، کاهش تولید ناخالص ملی، سیستم نامناسب قیمت گذاری و کسری بودجه رو به رو شد و در اواخر این دوره دولت سعی داشت که به دنبال برنامه باشد و برنامه ششم محمد رضا شاه را پیش رو داشت و لکن این برنامه مورد نقد قرار گرفت و کنار گذاشته شد و دوباره به دنبال برنامه ریزی جدید بودند و وقتی مسئله به سکوهای نفتی پیش آمد و احتمال قطع صادرات نفت بطور کلی مطرح شد این برنامه کنار گذاشته شد.

در این دوره نیز هر زمان درآمد قیمت نفت افزایش می یافت رشد کشور نیز افزایش می یافت و هر زمان کاهش می یافت این رشد نیز کاهش می یافت. در ابتدای دوره درآمد نفت تا ۳ برابر افزایش یافت (سال‌های ۶۱ تا ۶۴) و رشد تولید ناخالص نیز در یک دوره به ۱۱٪ رسید. و لکن در سال بعدی (۱۳۶۴ به بعد) قیمت نفت کاهش و رشد تولید منفی یا صفر بود. بیکاری در این دوره به ۱۵.۳٪ رسید

دوره هاشمی رفسنجانی (دوره گرانی)

آغاز دوره با اتمام جنگ همراه بود (جنگ ۸ ساله) و نرخ تورم تا حدود ۱۸٪ پایین آمد.

رئوس برنامه‌ها از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵

۱. اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی (آزاد سازی قیمت‌ها، آزاد سازی نرخ ارز و خصوصی سازی) دولت‌ها خصوصی شود))؛

۲. راه اندازی بورس؛

۳. بازسازی خسارت ناشی از جنگ؛

۴. بخش تجارت: برقراری نظام ارز شناور مدیریت شده، تعیین تعرفه‌های گمرکی با حمایت از تولید کننده‌ها.

۵. بخش پولی: ایجاد انگیزه برای پس انداز از طریق منطقی کردن نرخ سود بانکی و انتشار اوراق مشارکت.

* بخش مالی: افزایش سهم مالیات‌ها در کل درآمد کل، حذف معافیت‌های مالیاتی، وضع مالیات‌های غیر مستقیم و هدفمند کردن یارانه‌ها و ادامه قیمت گذاری.

در سال ۱۳۷۴ چرخشی در اجرای برنامه دوم بوجود آمد، و آن نیز بدلیل فشارهای اقتصادی و ادامه روند آزاد سازی و گرانی‌ها بود. نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ به ۴۵٪ تا ۵۰٪ رسید. در آن زمان کارخانه‌های زیر نیز فروششان به تصویب رسید: شرکت زامیاد، شهاب خودرو، پارس خودرو، ایران خودرو، خودرو سازان، نورد و لوله اهواز، ایران وانت، ایران کاوه، نورد تولید قطعات آلومینیوم اراک، سایپا، صنایع دریایی در دوره هاشمی که از سال ۶۸ آغاز شد فروخته شد.

اقتصاد: رشد اقتصاد ۵/۹٪ بود در سال ۱۳۶۸ رشد اقتصاد ۱۴/۱٪ در سال ۶۹ رسید. قیمت نفت از حدود ۱۵ دلار در سال ۱۳۴۷ به ۲۰ دلار در سال ۱۳۶۸ رسید، در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ قیمت نفت کاهش یافت.

دوره سید محمد خاتمی ۱۳۷۶ - ۱۳۸۳

رئوس برنامه‌ها

۱. اصلاح ساختارها (مانند راه‌ها و زیر بناها)؛
۲. اصلاح نظام مالیاتی در کشور؛
۳. یکسان سازی نرخ ارز؛
۴. تصویب و اجرای قانون سرمایه گذاری خارجی؛
۵. ایجاد بانک‌های خصوصی (اقتصاد نوین، سامان، پارسیان و...)
۶. ایجاد بیمه‌های خصوصی؛
۷. ایجاد حساب ذخیره ارزی؛
۸. تلاش در جهت کنترل صندوق‌های قرض الحسنه؛
۹. بهره برداری رساندن چند واحد از پارس جنوبی (میدان گازی پارس جنوبی).

مشکلات دوره خاتمی

۱. روند کند شدن خصوصی سازی؛

۲. کاهش شدید بودجه نفت؛

۳. کسری بودجه نفت که تأمینش از ناحیه چاپ پول و استقراض از بانک مرکزی صورت گرفت.

آغاز ریاست جمهوری ایشان با اجرای برنامه دوم اقتصادی همراه بود، همچنین در آغاز این دوره رکود اقتصادی در کشور بوجود آمد که منشأ آن نیز کاهش درآمدهای نفتی بود. در ابتدای این دوره بحران اقتصادی در شرق آسیا بوجود آمد که در نتیجه آن قیمت نفت نیز در بازار جهانی کاهش یافت و در نتیجه درآمدهای کشورهای نفتی نیز کاهش پیدا کرد. رشد اقتصاد در ایران جهت منفی به خود گرفت و اقتصاد نیز دچار رکود تورم می گردید.

«بحران در شرق آسیا ← قیمت نفت کاهش ← درآمد نفتی کشورهای نفتی کاهش ← رشد اقتصادی کاهش ← دچار تورم و رکود گردید»

نکته: رکورد ← با بیکاری زیاد همراه است، رکور فعالیت اقتصادی

رونق ← تورم، فعالیت کسب و کار.

تورم رکود ← تورم هست ولی رونق وجود ندارد.

با تورم رکودی در سال ۱۳۷۸ رشد اقتصاد ۱/۶٪ و تورم به ۲۰/۱٪ رسید. در پایان این دوره دولت خاتمی بدهی - های بجا مانده از دوره آقای هاشمی را بسیار کم کرد و به ۹/۲ میلیارد دلار رساند، واردات کل این دوره ۱۵۳ میلیارد دلار بود و رشد تولید ناخالص در سال ۷۶، ۷۷، ۷۸ به ترتیب ۲/۸، ۲/۹، و ۱/۷ گردید ولکن در سال ۱۳۸۱ که قیمت نفت افزایش یافت این رشد به ۷/۶٪ رسید. در این دوره روش برنامه نویسی برای دولت تغییر کرد و همچنین برنامه چشم انداز ۲۰ ساله نوشته شد.

دولت احمدی نژاد

از سال ۸۴ تا ۹۱ این سیاست ها اجرا شد:

۱. اجرای سهام عدالت
۲. فروش کارخانه ها به طبقات پایین
۳. تغییر در ساختار سازمان مدیریت و برنامه ریزی
۴. سهمیه بندی بنزین
۵. تغییر در بودجه ریزی سالانه
۶. سیاستهای انبساطی مالیاتی
۷. طرح تحول اقتصادی (یارانه)
۸. افزایش ۳ برابری قیمت نفت در این دوره
۹. افزایش نرخ تورم
۱۰. افزایش بدهی دولت نسبت به سیستم بانکی
۱۱. کاهش نرخ رشد در این دوره علی رغم افزایش درآمد نفتی
۱۲. خالی شدن صندوق ارزی